

## پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان دختر بر اساس کمال‌گرایی مادران در خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر همدان

آزینا هادی نیا<sup>۱</sup>، ایرج صفایی راد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارمند دفتر اسناد پزشکی تامین اجتماعی همدان

<sup>۲</sup> مدرس و عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

نام نویسنده مسئول:

آزینا هادی نیا

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش پیش‌بینی خلاقیت روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران در خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر همدان است. پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر همدان و مادرانشان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به تعداد ۱۰۰۵۰ تشکیل می‌داد؛ که از جامعه آماری بر اساس فرمول تاباچنیک و نورکراس ۱۰۵ نفر است که بنا بر احتیاط ۱۱۰ نفر انتخاب شد؛ که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از بین ۳۹ مدرسه متوسطه دخترانه مناطق آموزش و پرورش همدان انتخاب شد. داده‌های پرسشنامه با استفاده پرسشنامه کمال‌گرایی تری شورت (۱۹۹۵) و پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۳) به دست آمد با استفاده از آزمون رگرسیون تحلیل شد. نتایج نشان داد خلاقیت‌دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های تک‌فرزند قابل پیش‌بینی است؛ اما خلاقیت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های چند فرزند قابل پیش‌بینی نیست.

**واژگان کلیدی:** خلاقیت، کمال‌گرایی، تک‌فرزندی، چند فرزند. شهر همدان

**مقدمه**

خانواده اولین محل تأثیرپذیری کودک است. کودک در چارچوب محیط خانوادگی و برحسب جهت‌گیری‌ها و روش‌های تربیتی والدین خود، خود را می‌شناسد. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌کند تا استعدادهایشان را شناسایی کنند و به‌منزله‌افزادی سالم، وضعیت روانی مناسبی داشته باشند. رفتار والدین و نوع تربیت آن‌ها می‌تواند در تربیت و ایجاد زمینه‌های رشد شناختی کودکان نقش اساسی داشته و به بهبود وضعیت روانی آن‌ها کمک کند (نیکزاد، ۱۳۹۰). در تبیین تأثیر مادر بر وضعیت روانی فرزندان پژوهش‌های زیادی انجام شده است. از جمله عامل اضطراب و افسردگی مادر (محمد زاده و نجفی، ۱۳۸۹)، جو هیجانی و رضایت زناشویی (سلطانی فر و بینا، ۱۳۸۶)، روابط حمایتگرانه مادر (لوبنکو<sup>۱</sup> و سبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) و والدگری<sup>۳</sup> (فرزادفر و هومن، ۱۳۸۶).

با توجه به ساختار خلاقیت و دوره‌ی زمانی شکل‌گیری هسته خلاق در افراد که در دوره نوجوانی است به جرات می‌توان گفت خانواده و عوامل خانوادگی در خلاقیت افراد بسیار مهم و بارز هستند (جوچلرویچ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰)؛ و به عبارتی می‌توان گفت شکل‌گیری شخصیت فرد که دربردارنده تمامی فرآیندهای شناختی و پردازش اطلاعات از جمله فرآیندهای عالی پردازش مرتبط با خلاقیت است، تحت تأثیر والدین به‌ویژه مادران به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر و دخیل در رشد و شکوفایی شخصیت، محیط زندگی و همچنین توانمندی‌های شناختی و کارکردهای عقلانی و سلامت روان فرزندان است (بلانچ<sup>۵</sup> و آبوچا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲).

در سال‌های اخیر گروهی از پژوهشگران مثبت‌نگر، رویکردی متفاوت برای تبیین و مطالعه حوزه سلامت روان برگزیده‌اند. آنان سلامت روان را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی و آن را در قالب اصطلاح بهزیستی روان‌شناختی مفهوم‌ساز کرده‌اند. این گروه نداشتن بیماری را برای احساس سلامتی کافی نمی‌دانند بلکه معتقدند که داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، انرژی و خلق مثبت، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت از مشخصه‌های فرد سالم است (کاراداماس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷).

یکی دیگر از جنبه‌های وجود سلامت روان در افراد خلاقیت است. خلاقیت مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های انسان است که تقریباً همه ابعاد و جنبه‌های زندگی انسان و تمدن وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مانفیلد<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۸) در واقع خلاقیت دربرگیرنده تولید راه‌حل‌های اصیل و تازه، حل مسائل مبهم و بسیار پیچیده است. خلاقیت در بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره، مهم است و به نظر می‌رسد خصیصه‌ای شایسته در افراد برای توصیف و بیان آن‌ها باشد خلاقیت در علم و آموزش به‌اندازه‌حوزه‌های صنعتی و اقتصاد موردنیاز است (فینگ<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). بر این اساس، این پژوهش به دنبال پیش‌بینی خلاقیت و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر بر اساس کمال‌گرایی مادران است. در واقع این پژوهش در پی آن است که به شناسایی تأثیر مؤلفه کمال‌گرایی بر وضعیت روانی فرزندان بپردازد و می‌تواند برای جمع‌آوری اطلاعات ضروری مفید برای برنامه‌ریزی در حیطه تربیت فرزندان، زمینه مساعدی را فراهم آورد. خلاقیت نیز از آن جنبه‌هاست که اهمیت است که می‌توان با شناسایی عوامل مؤثر بر آن در راستای افزایش این متغیر مهم و تأثیرگذار گامی برداشت.

جنبه دیگر اهمیت این پژوهش در جامعه آماری مورد مطالعه نهفته است. جامعه این پژوهش، یعنی دانش‌آموزان دختر در مرحله نوجوانی به سر می‌برند. در حیطه رشد انسان، مقطع نوجوانی از دوران بحرانی و شاخصی است که بسیاری از صاحب‌نظران آن را دوران طغیان فشار می‌نامند و تکوین هویت فرد به‌منظور دست‌یابی به شخصیت سالم، با بهزیستی بالا تلقی می‌کند؛ بنابراین، مطالعه بر روی این گروه از افراد جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است و نهایتاً ضرورت انجام پژوهش در این است که هرچند موضوع مورد مطالعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ اما هیچ پژوهش مدونی به بررسی آن نپرداخته است. لذا پر کردن خلأ پژوهش موجود ضروری می‌نماید.

**مبانی نظری**

**خلاقیت:** خلاقیت از جمله مسائلی است که درباره‌ی ماهیت و تعریف آن تاکنون بین محققان و روان‌شناسان توافق به عمل نیامده است؛ و یکی از مفاهیم پیچیده مربوط به انسان است که ارائه تعریف روشن، بدون ابهام، دقیق و موردپذیرش اکثریت روانشناسان و مربیان تعلیم و تربیت از آن مشکل است. به لحاظ لغوی در زبان انگلیسی، ریشه واژه خلاقیت عبارت لاتین *Greate* است که در فرهنگ‌های واژگان به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است. از جمله در فرهنگ واژگان ماکاری، خلاقیت به معنای تکامل فکر یا تخیلات فرد، به شکل اختراع و ابداع

<sup>1</sup>Lubenko<sup>2</sup>Sebre<sup>3</sup> Parenting<sup>4</sup>Jovchelovitch<sup>5</sup> Blanch<sup>6</sup> Abuja<sup>7</sup>Karademas<sup>8</sup>Manfield<sup>9</sup> Fink

معنا شده است. در فرهنگ و بستر، خلاقیت توانایی یا قدرت ایجاد محصول نوین، از راه به کارگیری قدرت تصور و تحلیل ذکر شده است (ضحاک، ۱۳۹۲). اکثر روانشناسان در این مطلب توافق دارند که خلاقیت به دستاوردهای تازه و ارزشمند اشاره دارد. آیزنک (۲۰۰۰) معتقد است خلاقیت فرآیند روانی است که منجر به حل مسئله، ایده سازی، مفهوم سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه پردازی و تولیداتی می شود که بدیع و یکتا باشند (مهربان و شهروز، ۱۳۹۱).

از نظر لغوی در زبان فارسی، خلاقیت با سازهایی هم چون نوآوری، ابداع و اختراع تعریف شده است که با وجود تشابه با سازهایی ذکر شده، متفاوت از آن هاست. خلاقیت فعالیتی فکری و ذهنی است که لازمه و زیرساخت نوآوری است، ولی نوآوری بیشتر جنبه علمی دارد و محصول نهایی عمل خلاق است.

ابداع نیز به کارگیری خلاقیت است. در حقیقت ابداع ماحصل حرکتی است که نقطه شروع در خلاقیت و حیطة فکر بود و با به کارگیری تجارب دیگر، به صورت پدیده نوظهور، آشکار شده است. ارتباط با خلاقیت و ابداع، چنین است که خلاقیت بدون ابداع قابل تصور نیست، اما ابداع بدون خلاقیت بی معنی است؛ اما اختراع عبارت است از ایده یک مخترع که در عمل راه حل یک مشکل مشخص تکنولوژیکی را ارائه دهد. به گونه ساده راه حل نوین یک مشکل صنعتی، اختراع نامیده می شود (امیری، ۱۳۹۲). گفتنی است افزون بر تعاریف لغوی، برخی از فرآیندهای ذهنی هم چون حل مسئله، استدلال قیاسی، استدلال استقرایی و توانایی با فرآیند خلاق مترادف فرض شده اند (هارناد، ۲۰۱۴).

در مجموع تعاریف خلاقیت را چنین تقسیم بندی می نمایند: بعضی از تعاریفها، ویژگی های شخصیتی افراد را محور قرار داده و بعضی دیگر بر اساس فرآیند خلاق و تعاریفهای دیگر بر حسب محصول خلاق به خلاقیت نگریسته اند. از جمله افرادی که بر حسب شخصیت به خلاقیت می نگرند گیلفورد (۱۹۵۰) است. او معتقد است خلاقیت مجموعه ای از توانایی ها و خصیصه هاست که موجب تفکر خلاق می شود.

برخی از تعاریفها بر پایه فرآیند خلاقیت استوار است، مانند تعریف مدینک<sup>۳</sup> (۱۹۶۲) از نظر او خلاقیت عبارت است از: شکل دادن به عناصر تداعیبه صورت ترکیبات تازه که با الزامات خاصی مطابق است یا به شکلی مفید است. هر چند عناصر ترکیب جدید غیرمشابه تر باشد، فرآیند حل کردن خلاق تر خواهد بود. گیرلین<sup>۴</sup> (۱۹۵۴) معتقد است: خلاقیت ارائه کیفیت های تازه ای از مفاهیم و معانی است. تایلور<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) خلاقیت را شکل دادن تجربه ها در سازمان بندی های تازه می داند. وجه اشتراک این تعاریف تازگی و نو بودن است؛ اما تازگی به تنهایی نمی تواند مفهوم خلاقیت را روشن سازد؛ زیرا بسیاری چیزها نو و تازه هستند ولی خلاقانه نیستند. بر این اساس ملاک محصول خلاق در نظریه های معاصر تازگی و تناسب یا ارزش است. استین<sup>۶</sup> (۱۹۷۴) خلاقیت را بر مبنای این دو عامل چنین تعریف می کند: خلاقیت فرآیندی است که نتیجه آن یک کار تازه ای باشد که توسط گروهی در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایت بخش مقبول واقع شود.

ورنون<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) نیز از همین چشم انداز به خلاقیت می نگرند. خلاقیت توانایی شخص در ایجاد ایده ها، نظریه ها، بینش ها یا اشیای جدید و نو و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه هاست که به وسیله متخصصان به عنوان پدیده ای ابتکاری و از لحاظ علمی، زیبایی شناسی، فن آوری و اجتماعی بارز قلمداد گردد. استرنبرگ<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) نیز تفکر خلاق را ترکیبی از قدرت، ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی می داند که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود.

**کمال گرایی:** کمال گرایی شامل کوشش های است برای دستیابی به معیارهای بالا و اغلب غیر قابل دسترس، ترس از اشتباه کردن و به دنبال آن عزت نفس پایین زمانی که به معیارهای شخصی بالادست یافته نمی شود. فیلسوفان و درمانگران اولیه، کمال گرایی را جنبه مهمی از رفتار انسانی می دانستند و عمدتاً آن را ویژگی ناکارآمدی در نظر می گرفتند. فروید (۱۹۵۶، ۱۹۲۹) کمال گرایی را به عنوان نشانه ای مشترکی از روان رنجور و خصوصاً روان رنجوری و سواسی تلقی کرده و آن را نتیجه وجود من برتر<sup>۹</sup> است که تنبیه گری می دانست که خواهان پیشرفتی ممتاز و بی نظیر در تمام حوزه های زندگی است. فروید همچنین معتقد بود کمال گرایی جنبه ای از خودشیفتگی است؛ بنابراین نویسندگان اولیه، کمال گرایی را بخشی از شخصیت در نظر می گرفتند. بیش از یک قرن است که کمال گرایی شناخته شده است. با این وجود برای سالیان زیادی بیشتر از این که مورد بررسی تحقیقات تجربی قرار گیرد، به سادگی توسط پزشکان به عنوان یک سازه مطرح می شد. توصیفات بالینی اولیه از کمال گرایی حاوی ویژگی های توصیف کننده ای مفیدی هستند که به خوبی خصوصیات این پدیده را در بر می گیرد (سعیدی، ۱۳۹۵).

<sup>1</sup> Novel products of value

<sup>2</sup> Harnad

<sup>3</sup> Mednick

<sup>4</sup> Ghiselin

<sup>5</sup> Taglor

<sup>6</sup> Stein

<sup>7</sup> Vernon

<sup>8</sup> Sternberg

<sup>9</sup> Superego

ژانت<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۸ اولین فردی بود که در خصوص کمال‌گرایی نوشت. او کمال‌گرایان را افرادی با عقاید محکم و ثابت می‌دانست. در نتیجه، سختی (انعطاف‌ناپذیری) یکی از اولین خصوصیات بود که در مورد کمال‌گرایی مطرح شد. از دیگر نویسندگان اولیه که به اهمیت کمال‌گرایی پی برده بودند می‌توان به اپیکتتوس<sup>۲</sup> و دوبویس<sup>۳</sup> اشاره کرد. آلفرد آدلر (۱۹۵۶) به اهمیت کمال‌گراییدروان‌رنجورها اشاره کرده است. او تلاش برای کامل بودن را بخش اساسی پاسخ انسان به احساس حقارت و ناشایستگی می‌دانست، اگرچه آدلر برای کمال‌گرایی جنبه سالم و انطباقی نیز قائل بود. به عقیده آدلر تلاش برای کامل بودن بهنجار و ذاتی است. در دیدگاه او چنین تلاشی از اجزای سالم علاقه اجتماعی است. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که فرد برای برتری، معیارهای غیرواقع‌بینانه در نظر بگیرد (ایگان، ۲۰۱۲).

الیس (۱۹۶۲) در نخستین نوشته‌اش درباره درمان عقلانی - هیجانی رفتاری، مجدداً کمال‌گرایی را به‌عنوان یکی از باورهای غیرمنطقی اصلی معرفی کرد که موجب مشکلات هیجانی می‌شود. او کمال‌گرایی را این‌گونه تعریف کرد: منظور از کمال‌گرایی داشتن این باور است که (همواره) یک‌راه حل دقیق، کامل و درست برای مشکلات انسانی وجود دارد و اگر این راه‌حل کامل پیدا نشود فاجعه‌آمیز خواهد بود. این تعارف اولیه بالینی، عمدتاً کمال‌گرایی را ویژگی منفی در نظر می‌گیرند که با آسیب‌شناسی و ناکارآمدی در ارتباط است؛ باین‌حال، هام‌چاک<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) با اتخاذ رویکردی متفاوت نخستین کسی بود که بین انواع متفاوت کمال‌گرایی فرق گذاشت. او کمال‌گرایی را در دو بعد بررسی کرده است: نرمال و نوروتیک. وی کمال‌گرایان بهنجار را افرادی می‌دانست که با رسیدن به اهدافشان، احساس شادمانی می‌کنند. در مقابل کمال‌گرایان بهنجار هرگز از عملکردشان رضای نیستند. علاوه بر این کمال‌گرایان بهنجار معمولاً نمی‌توانند به معیارهای شخصی عملکردشان دست یابند و این خود به شدت عزت‌نفسشان را کاهش می‌دهد (همراهی، ۱۳۹۴).

کمال‌گرایی، در واقع باوری غیرمنطقی است که اشخاص نسبت به خود و محیط اطراف خود دارند. افرادی که کمال‌گرا هستند، معتقدند که خود و محیط اطرافشان باید کامل بوده و هرگونه تلاشی در زندگی باید بدون اشتباه و خطا باشد. گاهی بعضی از افراد احساس می‌کنند کارها را باید صد در صد درست انجام دهند و در غیر این صورت بازنده هستند و یا احساس می‌کنند کاری را که به انجام رسانده‌اند به اندازه کافی خوب نیستند و یا این‌که نوشتن مقالات و طرح‌های خود را به بهانه این‌که بایستی آن‌ها را دقیق و بی‌عیب انجام دهند، به تعویق می‌اندازند. در چنین صورتی شخص به‌جای حرکت در مسیر موفقیت سعی در کامل بودن دارد (مهرابی زاده و وردی، ۱۳۸۹). ادروهلد<sup>۵</sup> و گلد برگ<sup>۶</sup> ادعان کردند که کمال‌گرایی ممکن است باعث به وجود آمدن مشکلاتی شود و حتی اضطراب را در حین ارتکاب اشتباه به دنبال داشته باشد. بر اساس عقیده این پژوهشگران، تجربه کمال‌گرایانه یک نیاز ثابت برای به دست آوردن تأیید، رفع کمبود استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثر، ارزیابی همیشگی قضاوت‌های خود و ریسک نکردن به خاطر ترس از شکست و کسب تجربه تعلل و به تأخیر انداختن کارها است. کمال‌گراها معمولاً استانداردهای خیلی بالایی را تعیین می‌کنند (پلین، ۲۰۱۲).

## فرضیات تحقیق

خلاقیت دانش آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های تک‌فرزند قابل پیش‌بینی است.  
خلاقیت دانش آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های چند فرزند قابل پیش‌بینی است.

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی همبستگی است. همچنین پژوهش از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر جمع‌آوری داده‌ها از دسته تحقیقات میدانی بوده است. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر همدان و مادرانشان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به تعداد ۱۰۵۰ تشکیل می‌داد. حجم نمونه بر اساس فرمول تاباچنیک و نورکراس<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) ۱۱۰ نفر انتخاب شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین ۳۹ مدرسه متوسطه دخترانه شهر همدان از ۱۳ مدرسه که به‌طور تصادفی انتخاب شدند به دست آمد. این مدارس خصوصی - دولتی و هنرستان‌ها بودند که به‌طور متوسط شامل ۱۲ الی ۱۸ کلاس درس و هر کلاس به‌طور متوسط ۳۰ الی ۳۵ دانش‌آموز داشت که از هر کلاس به‌طور تصادفی به ۳ الی ۶ دانش‌آموز چند فرزند و تک‌فرزند با توجه به تعداد دانش‌آموزان موجود در کلاس انتخاب و پرسشنامه‌های شماره ۱ (مربوط به تک‌فرزندان از شماره ۱-۱ الی ۱۱-۱) و پرسشنامه شماره ۲ (مربوط به چند فرزند از شماره ۱-۲ الی ۱۱-۲) داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بوده که در آن از پرسشنامه‌های تری شورت و همکاران

<sup>1</sup> Janet

<sup>2</sup> Epictetus

<sup>3</sup> Dubois

<sup>4</sup> Egan

<sup>5</sup> Haachek

<sup>6</sup> Adderholdt and Goldberg

<sup>7</sup> Tabachnick & Norcross

(۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری کمال‌گرایی و پرسشنامه سنجش خلاقیت که به آزمون سنجش خلاقیت عابدی (CT) مشهور است جهت بررسی خلاقیت استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی توزیع نرمال و به منظور سنجش فرضیات از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد. یکی از بهترین روش‌های شناسایی نرمال بودن توزیع داده‌ها آزمون کولموگروف-اسمیرنوف است. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها ما فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ آزمون می‌کنیم؛ بنابراین اگر آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود.

جدول (۱): آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها

متغیر	تعداد	آماره Z	سطح معناداری
فرزندان	۱۱۰	۰/۶۰۶	۰/۸۵۶
	۱۱۰	۱/۳۴۶	۰/۰۵۳
	۱۱۰	۰/۷۵۴	۰/۶۲۰
پدران	۱۱۰	۰/۵۹۰	۰/۸۷۷
	۱۱۰	۰/۹۹۳	۰/۲۷۷
	۱۱۰	۰/۸۰۷	۰/۵۳۲

اطلاعات جدول (۱) بیانگر این است که سطح معنی‌داری مقادیر Z به دست آمده مؤلفه‌های تحقیق بالاتر از ۰/۰۵ است ( $p < 0/05$ ) که این امر بیانگر آن است که نمرات این متغیرها، دارای توزیعی نرمال بوده و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتری جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق وجود دارد.

### فرضیه اول

خلاقیت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های تک‌فرزند قابل پیش‌بینی است. جهت بررسی این فرضیه از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش هم‌زمان استفاده شده است. در جدول (۲) متغیرهای وارد شده در این تحلیل نمایش داده شده است.

جدول (۲): متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های کمال‌گرایی مادران

متغیرهای پیش‌بین وارد شده	متغیر ملاک	روش
کمال‌گرایی مثبت	خلاقیت	هم‌زمان
کمال‌گرایی منفی		

بر اساس اطلاعات جدول (۲)، کمال‌گرایی مثبت و منفی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و خلاقیت به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

جدول (۳): خلاصه مدل رگرسیونی و بررسی خودهمبستگی

R	R <sup>2</sup>	AR <sup>2</sup>	انحراف استاندارد	دوربین واتسون
۰/۲۳	۰/۰۵۶	۰/۰۳۸	۱۵/۳۴	۱/۹۸

بر اساس اطلاعات در جدول (۳) مشاهده می‌گردد که شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۰۵ است. مجذور R تعدیل شده برابر ۰/۰۳ است که نشان می‌دهد ۳٪ از تغییرات متغیر ملاک یعنی خلاقیت، می‌تواند توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین شود. همچنین آماره دوربین واتسون بین اعداد ۱/۵ تا ۲/۵ محاسبه شده است، لذا احتمال خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها رد می‌شود و

باقیمانده‌ها مستقل از یکدیگر بوده و میزان باقیمانده یک مورد، در میزان باقیمانده مورد بعد از آن تأثیری ندارد. در جدول (۴)، آزمون آنوا این مسئله را بررسی می‌کند که آیا مدل رگرسیونی توانده‌طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

جدول (۴): جدول آنوا برای بررسی معناداری مدل رگرسیونی

Sig.	F آماره	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییر
۰/۰۴۶	۳/۱۷	۷۴۷/۹۷۸	۱۴۹۵/۹۵۷	۲	رگرسیون
		۲۳۵/۳۸۹	۲۵۱۸۶/۶۳۴	۱۰۷	باقیمانده
		-	۲۶۶۸۲/۵۹۱	۱۰۹	مجموع

بر اساس اطلاعات جدول (۴)، میزان معناداری F با درجه آزادی ۲ و ۱۰۷ کمتر از میزان ۰/۰۵ محاسبه شده است که این امر بیان‌گر این است که مدل رگرسیونی در سطح ۹۵٪ معنادار است ( $p < ۰/۰۵$  و  $F_{(۲,۱۰۷)} = ۳/۱۷$ ).

جدول شماره (۵): ضرایب رگرسیون تأثیر مؤلفه‌های کمال‌گرایی مادران بر خلاقیت دانش‌آموزان

سطح معنی‌داری	t	Beta استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		عامل
			انحراف معیار	B	
۰/۰۰۰	۸/۲۵۹	-	۱۳/۰۵۰	۱۰۷/۷۸۸	مقدار ثابت
۰/۰۱۳	۲/۵۲۱	۰/۲۴۷	۰/۲۴۵	۰/۶۱۸	کمال‌گرایی مثبت
۰/۴۶۳	-۰/۷۳۶	-۰/۰۷۲	۰/۲۰۸	-۰/۱۵۳	کمال‌گرایی منفی

با توجه به اطلاعات جدول (۵)، از بین متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شده، کمال‌گرایی مثبت با سطح معناداری ۰/۰۱۳ و ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۲۴۷، بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس متغیر ملاک داشتند. همچنین سطح معناداری مقدار ثابت برابر با ۰/۰۰۰ محاسبه شده است که این امر نشان می‌دهد مقدار ثابت محاسبه شده بر متغیر ملاک تأثیرگذار نیست. نتیجه‌ی نهایی آنالیز رگرسیون انجام شده، به همراه ضرایب غیراستاندارد متغیرهای مؤثر در مدل در زیر آمده است.

$$\text{کمال‌گرایی مثبت} = ۱۰۷/۷۸۸ + (۰/۶۱۸ \times \text{خلاقیت})$$

### فرضیه دوم

خلاقیت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی مادران خانواده‌های چند فرزند قابل پیش‌بینی است. جهت بررسی این فرضیه نیز از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش هم‌زمان استفاده شده است. در جدول (۶) متغیرهای وارد شده در این تحلیل نمایش داده شده است.

جدول (۶): متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های کمال‌گرایی مادران

متغیرهای پیش‌بین وارد شده	متغیر ملاک	روش
کمال‌گرایی مثبت	خلاقیت	هم‌زمان
کمال‌گرایی منفی		

بر اساس اطلاعات جدول بالا، کمال‌گرایی مثبت و منفی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و خلاقیت به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

جدول (۷): خلاصه مدل رگرسیونی و بررسی خودهمبستگی

R	R <sup>2</sup>	AR <sup>2</sup>	انحراف استاندارد	دوربین واتسون
۰/۱۴	۰/۰۲۲	۰/۰۰۴	۱۳/۱۹	۱/۹۶

بر اساس اطلاعات در جدول (۷) مشاهده می‌گردد که شدت همبستگی بر اساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۰۲ است. مجذور R تعدیل شده برابر ۰/۰۰۴ است که نشان می‌دهد ۰/۰۴٪ از تغییرات متغیر ملاک یعنی خلاقیت، می‌تواند توسط متغیرهای پیش‌بین

تبیین شود. همچنین آماره دوربین و اتسون بین اعداد ۱/۵ تا ۲/۵ محاسبه شده است، لذا احتمال خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها رد می‌شود و باقیمانده‌ها مستقل از یکدیگر بوده و میزان باقیمانده یک مورد، در میزان باقیمانده مورد بعد از آن تأثیری ندارد. در جدول (۸)، آزمون آنوا این مسئله را بررسی می‌کند که آیا مدل رگرسیونی توانده‌طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

جدول (۸): جدول آنوا برای بررسی معناداری مدل رگرسیونی

Sig.	آماره F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییر
۰/۳۰۵	۱/۲۰	۲۰۹/۰۶۵	۴۱۸/۱۲۹	۲	رگرسیون
		۱۷۴/۱۹۱	۱۸۶۳۸/۴۲۵	۱۰۷	باقیمانده
		-	۱۹۰۵۶/۵۵۵	۱۰۹	مجموع

بر اساس اطلاعات جدول (۸)، میزان معناداری F با درجه آزادی ۲ و ۱۰۷ بیشتر از میزان ۰/۰۵ محاسبه شده است که این امر بیان‌گر این است که مدل رگرسیونی معنادار نیست.

## بحث و نتیجه‌گیری

مادران خانواده‌های تک‌فرزند دارای کمال‌گرایی مثبت معمولاً توجه خود را روی فرزند خود متمرکز کرده و تمامی تلاش خود را به‌منظور افزایش ویژگی‌های مثبت فرزند خود به کار می‌بندند. این مادران معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به‌جای این که رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها بر ایشان مهم باشد، صرف تلاش کردن برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. این مادران سعی می‌کنند این مفهوم را در ذهن فرزندان خود القا کنند که از تلاش و رقابت برای برتری و کمال لذت ببرند و درعین حال، محدودیت‌های شخصی فرزند خود را به رسمیت می‌شناسند و می‌کوشند ملاک‌های بالا اما انطباق‌پذیر و معقولانه‌ای را برای آن‌ها انتخاب کنند. به‌بیان دیگر، این مادران سعی می‌کنند در تربیت فرزند خود این موضوع را مدنظر داشته باشند که فرزندان‌شان با خود رقابت کنند نه با دیگران.

این مادران نه‌تنها از فرزند خود انتظار ندارند که در تمامی زمینه‌ها حائز رتبه اول شود بلکه حتی در صورت شکست فرزند خود به وی روحیه می‌دهند و همواره این موضوع را مدنظر دارند که تلاش و کوشش در انجام فعالیت‌ها در درجه اول اهمیت دارد. این امر موجب خواهد شد که فرزند آن‌ها به‌دور از استرس و تنش به فعالیت‌های خود ادامه دهد و از شرایط مناسبی برای رشد و پیشرفت برخوردار گردد که این موضوع به افزایش خلاقیت وی کمک شایانی خواهد کرد.

خلاقیت تک‌فرزند در کمال‌گرایی منفی قابل پیش‌بینی نبود. به نظر می‌رسد که بتوان از اثر مؤلفه‌های دیگر همراه با کمال‌گرایی مادر در بررسی خلاقیت فرزند استفاده کرد اگر در این سنجش، مؤلفه‌هایی مانند خودکارآمدی فرزندان هم بررسی می‌گردید شاید می‌توانستیم خلاقیت را در کمال‌گرایی منفی هم پیش‌بینی نماییم. محمود ایروانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود بر روی تأثیر مؤلفه خودکارآمدی بر خلاقیت دانش‌آموز به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه خودکارآمدی بر ابتکار و بسط فکری دانش‌آموز مؤثر است؛ و شاید اگر مؤلفه‌های مانند طرح‌واره ناسازگار اولیه مادران همراه با پرسشنامه کمال‌گرایی بررسی می‌شد می‌توانستیم خلاقیت دانش‌آموزان را بر اساس آن بررسی و پیش‌بینی نماییم. نکته مهم دیگر این است که ویژگی‌های شخصیتی و جنبه‌های شخصی فردی دانش‌آموز هم با اهمیت باشد و ویژگی‌های شخصیتی متنوع، خود انگیزی، تمایل به خطر کردن و هوش می‌تواند از عوامل مؤثر بر خلاقیت باشد، بنابراین بررسی این ویژگی‌ها در دانش‌آموزان با مادران کمال‌گرایی منفی، شاید کمک‌کننده در بررسی و پیش‌بینی خلاقیت در دانش‌آموزان با مادران دارای کمال‌گرایی مثبت معمولاً تمامی توجه خود را به رفاه و شکوفایی توانایی‌های فرزند خویش معطوف می‌دارند. چنانچه این مادران تنها یک فرزند داشته باشند اهدافی را برای زندگی حال و آینده فرزند خویش تعیین خواهند کرد. از آنجایی که یکی از ویژگی‌های کمال‌گرایی مثبت پذیرش شرایط و توانایی‌های ذاتی هر فرد است، چنین مادرانی فرزند خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنند و تمامی تلاش آن‌ها کمک به فرزندشان در راه رسیدن به اهداف شخصی خودش است. این امر سبب خواهد شد که فرزند آن‌ها نیز استرس و فشار روانی کمتری را تجربه کند و راحت‌تر و با فراغ بال بتواند فعالیت‌های روزانه خود را پیگیری نماید که این مسئله با بهزیستی روان‌شناختی فرزندان ارتباط دارد.

با توجه به نتایج آماری حاصل تحصیلات اکثر مادران چند فرزند در این مناطق زیر دیپلم بوده است که به نظر می‌رسد سطح تحصیلات در نتیجه‌ی این فرضیه تأثیر به‌سزایی داشته است. در تحقیق علی کریمی (۱۳۸۱) مشخص شد منزلت اجتماعی مادر با خلاقیت رابطه دارد. اگر نمونه‌گیری به‌صورت مساوی از مدارس مناطق شمال و جنوب شهر گرفته می‌شد می‌توانستیم با کمال‌گرایی مادران، خلاقیت دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کنیم. یکی دیگر از موارد تبیین تفکیک جنسیتی دانش‌آموزان در اجرای طرح پژوهش بود. طی پژوهشی که علی کریمی در سال (۱۳۸۱) انجام داده است مشخص گردید که پسران در خلاقیت برتر از دختران هستند؛ بنابراین اگر در این پژوهش از پسران دانش‌آموز هم استفاده می‌شد می‌توانستیم با توجه به تحقیقات فوق، خلاقیت دانش‌آموزان چند فرزند را پیش‌بینی کنیم.

یکی دیگر از موارد مورد بحث این است که در بررسی خلاقیت دانش‌آموزان چند فرزند با مادر کمال‌گرا ترتیب تولد مورد بررسی قرار نگرفته است. آلفرد آدلر بر این عقیده است که ترتیب تولد، عامل اجتماعی تأثیرگذار مهمی در کودکی است. بزرگ‌تر یا کوچک بودن از خواهر یا برادر و قرار گرفتن در معرض نگرش‌های مختلف والدین شرایط متفاوتی برای فرزندان ایجاد می‌کند. والدین برای فرزند اول دقت بیشتری می‌گذارند و توجه زیادی به فرزند اول دارند. فرزند اول مورد توجه فوری و بی‌تقسیم والدین است، فرزند اول اغلب نقش معلم، مربی و رهبر را دارد و از لحاظ عقلانی پخته‌تر است. فرزندان اول منظم، مقتدر، باوجدان و وظیفه‌شناس هستند. فرزند دوم معمولاً خوش‌بین‌تر و رقابت‌طلب می‌باشند.

فرزندان آخر معمولاً در بزرگ‌سالی دست به هر کاری می‌زنند تا موفق شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد ترتیب تولد در خلاقیت فرزندان هم نقش دارد. به نظر می‌رسد اگر ترتیب تولد فرزندان، در پژوهش مشخص می‌گردید این دو مؤلفه به همراه هم می‌توانستند، خلاقیت را پیش‌بینی کنند. یکی دیگر از موارد تبیین این پاسخ عدم بررسی سبک‌های فرزند پروری به همراه کمال‌گرایی مادر است؛ که همسو با پژوهش شهرام واحدی، حسین لطفی، نعیمه یوسفی شهپر سال ۱۳۸۸ است که طی پژوهش به این نتیجه رسیدند که سبک‌های فرزند پروری با خلاقیت فرزندان رابطه داشته و بین سبک تربیتی و اقتدار منطقی والدین با خلاقیت فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.



مادران دارای کمال‌گرایی منفی از هر موقعیت فرزندان خود ناراضی بوده احساس شکست و یاس در تربیت فرزندان خود دارند. مادرانی که دارای چندین فرزند هستند از آنجایی که زمان و توانایی لازم را برای رسیدگی به تک‌تک فرزندان ندارند معمولاً از شرایط این فرزندان راضی نخواهند بود. این والدین معمولاً در هر زمینه‌ای به فرزندان خود فشار می‌آورند و حتی در صورتی که فرزندان در آن زمینه در سطح خوبی باشد عکس این موضوع را احساس می‌کنند.

مادران دارای چند فرزند معمولاً قادر نیستند به‌طور هم‌زمان برای تک‌تک فرزندان نقش حمایتی و پشتیبانی را ایفا کنند و انتظار دارند که فرزندان آن‌ها بتوانند به‌صورت خودبه‌خود از پس کارهای خویش برآمده و فردی موفق گردند؛ به‌عبارت‌دیگر از آنجایی که این مادران آن‌گونه که باید و شاید در جریان امور و فعالیت‌های فرزندان نشان نیستند انتظارات زیاد و بیش‌ازحدی از فرزندان خویش دارند که این عوامل سبب می‌شود که کودکان بر اثر فشار و تنش‌های روانی بیش‌ازحد، دچار استرس و ترس و نتیجتاً از دست دادن اعتماد به‌نفس شوند که این عوامل موجب کاهش بهزیستی روان‌شناختی آنان خواهد شد. لذا می‌توان گفت که بین بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و کمال‌گرایی منفی مادران خانواده‌های چند فرزند رابطه معنادار و منفی وجود دارد، یعنی با افزایش کمال‌گرایی منفی مادران بهزیستی روان‌شناختی فرزندان آنان کاهش خواهد یافت؛ پس می‌توان اظهار داشت که بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه بر اساس کمال‌گرایی منفی مادران خانواده‌های چند فرزند قابل پیش‌بینی است.

برخلاف پاسخ این فرضیه تحقیقات زیادی نشان داده است که کمال‌گرایی مادران می‌تواند بهزیستی روانی فرزندان را پیش‌بینی کند؛ اما در این پژوهش مشخص گردید که کمال‌گرایی نمی‌تواند بهزیستی چند فرزند را پیش‌بینی کند؛ که شاید یکی از دلایل آن محیط‌های انتخاب‌شده جهت نمونه‌گیری و یا در نظر نگرفتن عوامل اقتصادی باشد. عامل اقتصادی یکی از عواملی است که به‌صورت غیرمستقیم در بهزیستی روانی مؤثر است. اگر مؤلفه شرایط اقتصادی خانواده همراه با کمال‌گرایی مادر در این پژوهش بررسی گردید شاید احتمال پیش‌بینی بهزیستی روانی بالاتر می‌رفت.

## منابع و مراجع

- [۱] امیری، مریم (۱۳۹۲). تأثیر آموزش خلاقیت بر تفکر خلاق کودکان پیش دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- [۲] ایروانی، محمود؛ صبحی قراملکی، ناصر؛ مهرافزون، داریوش (۱۳۹۲). اثربخشی مولفه‌های خودکارآمدی بر افزایش خلاقیت دانش آموزان. نشر ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۳ (۳): ۶۹-۹۱.
- [۳] سعیدی، هادی (۱۳۹۵). رابطه بین بهزیستی روانشناختی با اضطراب وجودی و ترس از تنهایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین.
- [۴] سلطانی فر، عاطفه؛ بینا، مهدی (۱۳۸۶). بررسی شیوع نشانه های افسردگی کودکان دبستانی ۹-۱۱ ساله در تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ۹، شماره ۳۳.
- [۵] ضحاکي، زهره (۱۳۹۲). متفاوت فکر کنید، تهران: انتشارات محیا.
- [۶] فرزادفر، زینب؛ هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷). نقش آموزش مهارت های فرزندپروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال ۴، شماره ۱۵.
- [۷] کریمی، علی (۱۳۸۱). بررسی رابطه خلاقیت با اضطراب، جنسیت، پیشرفت تحصیلی و منزلت اجتماعی دانش آموزان سوم راهنمایی شیراز. دانشگاه شیراز- دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی.
- [۸] محمدرزاده، علی؛ نجفی، محمود (۱۳۹۵). نقش اضطراب و افسردگی در تبیین اختلالات نارسایی توجه در کودکان دبستانی. مجله روانشناسی بالینی، سال ۱، شماره ۴.
- [۹] مهربانی زاده هنرمند، مهناز؛ وردی، مینا. (۱۳۸۲). کمال گرایی مثبت، کمال گرایی منفی. اهواز: نشر ریش.
- [۱۰] مهربان، مهدی؛ شهروز، سهیلا (۱۳۹۱). رابطه بین برخورداری از مهارت های تفکر خلاق با سعادت سازمانی در کارکنان شهرداری شهر سقز، خلاقیت، سال اول، شماره سوم
- [۱۱] نیکزاد، مریم (۱۳۹۰). مبانی رفتارشناسی، تهران: هوشمند.
- [۱۲] همراهی، ر. (۱۳۹۴). مقیاس جدید کمالگرایی. مجله علوم رفتاری، ۳ (۳)
- [۱۳] واحدی، شهرام؛ لطیفی نیا، حسن؛ یوسفی شهپر، نعیمه (۱۳۸۸). رابطه شیوه های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده بر خلاقیت کودکان. دانشگاه آزاد تبریز.
- [14] Adler, A. (1956). Striving for superiority. In H. L. Ansbacher, & R. Ansbacher, The individual psychology of Alfred Adler: A systematic presentation in selections from his writings (pp. 101-125). New York: Harper and Row.
- [15] Blanch, A. Abuja, A. (2002). to wards effective compater related Learning environment for primary school student creatire Thinking development. In proceeding of the som& INSPIRE Conference 2002 Tampere, Finland
- [16] Egan, S. (2012). AN Investigation of positive and negative perfectionism. Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in psychology, faculty of psychology, Curtin University of technology human research.
- [17] Fink, A. Graif, B., & Neubauer, C.A. (2009). Brain correlates underlying creative Thinking: EEG alpha activity in professional VS. Novice dancers. Neuron Image 46.
- [18] Ghiselin, B. (1954). The Creative Process a Symposium. University of California Press.
- [19] Guilford, J. P. (1950). Creativity research: Past, present and future. In S. G. Isaksen (Ed.). Frontiers of creativity research: Beyond the basics (pp. 33-65). Buffalo, N.Y. Bearly Ltd.
- [20] Hamachek, D.E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism psychology: Journal of human behaviors, 15, 27-33.
- [21] Harnad, Y. (2014). The Effectiveness of Creativity Training: A Quantitative Review, Routledge, New York.
- [22] Jovchelovitch, s. (2010). Knowledge in context Representation community and culture. London, .uk: Rutledge.
- [23] Karademas, E. (2007). "Positive and negative aspects of well-being: common and specific predictors". Personality and Individual difference. 43.

- [24] Lubenko, J; &sebre, S (2010), longitudinal associations between adolescent behavior problems and perceived family relationships. *Journal of Procardia social and behavior sciences*.5.
- [25] Manfield, J., Batey, M., Anand, K &Farnham, A. (2008). Personality, hypomania, intelligence and creativity. *Personality and Individual Difference*, 44.
- [26] Mednick, T. (1962). *Mediators and Moderators in Meta-Analysis: There's a Reason We Don't Let Dodo Birds Tell Us Which Psychotherapies Should Have Prizes*, Published by Blackwell Publishing Ltd, USA.
- [27] Pelin, S. (2012). *The relationship between attachment styles and perfectionism in high school students*. A thesis submitted to the graduate school of social sciences of middle east technical university.
- [28] Stein, M, I. (1974). *Stimulating creativity*. New York: Academic Press.
- [29] Sternberg, R.J. (2009). A three facet mode of creativity. *the nature of creativity*. cambridge university press. text Reading improvement. *Cholas Vista*, 43 (1): 13-17
- [30] Taylor, CW (1988). Various approaches to and definitions of creativity. In *The Nature of Creativity: Contemporary Psychological Perspectives*, RJ Sternberg (ed), pp 99-124. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- [31] Terry-short, L. A., Owens, R. G., Slade, P. D., & Dewey, M. E. (1995). Positive and negative perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 18.
- [32] Vernon, P.E (1970) *Creativity, selected reading* London: Penguin book.